

در باره نژادپرستی ایرانی از مید تا غزه

سیاوش دانشور

صفحه ۳

وقتی جایزه نوبل به عکس خود بدل می شود!
در حاشیه مرگ کیسینجر و اهدای جایزه نوبل

آذر ماجدی

صفحه ۵

یادداشتی از سعید افکاری برادر نوید افکاری

که در مدیای اجتماعی منعکس شده است

صفحه ۶

ابعاد فاجعه انسانی در نوار غزه و

سر نوشت جنگ

سعید یگانه

بیانیه مجمع کارگران ذوب آهن اصفهان

اعتراض و مطالبه گری حق قانونی ما کارگران است

اعمال فشار و آزار همکاران مان را پایان دهید

صفحه ۸

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

صفحه ۹

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

۷۲۹

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

جمعه ۲۴ آذر ۱۴۰۲ - ۱۵ دسامبر ۲۰۲۳

رفتار فاشیستی علیه کارگران

و پناهندگان افغانستانی

محکوم است

آنان را دریابیم!

در ادامه سیاست های ارتجاعی و نژاد پرستانه دولت جنایتکار اسلامی علیه کارگران و پناهندگان و مهاجرین افغانستانی در ایران، موجی از نفرت و افغانی ستیزی در ایران دامن گرفته است بطوریکه هیچ جا شهروندان افغانستانی نه از جانب رژیم و قوانینی غیر انسانی که علیه آنان وضع کرده اند و نه از جانب مردمی که که تحت تاثیر تبلیغات فاشیستی دولت جمهوری اسلامی قرار گرفته اند، احساس امنیت نمی کنند. شرایط زندگی برای کارگران و پناهندگان افغانستانی در ایران آنقدر تنگ و سخت شده است که خیلی ها ناچار به بازگشت به جهنم طالبان شده اند.

خبر حمله به کمپ پناهندگان افغانستانی در شهرهای ایران و کتک کاری و اذیت و آزار و تحقیر بی حرمتی نسبت به آنان دامن گرفته است. پناهندگان و مهاجرین افغانی بعد از سالها کار و زحمت و مشقت در ایران هیچوقت به عنوان شهروند ایرانی به رسمیت شناخته نشدند و از ابتدایی ترین حقوق انسانی و شهروندی محروم بوده اند. در این مدت نمونه های زیادی از حمله به محل زندگی پناهندگان افغانی در رسانه ها منعکس شده است. یکی از نمونه های دلخراش و غیر انسانی آن حمله به محل پناهجویان افغانی در شهر میبد و به آتش کشیدن محل زندگی آنان به بهانه قتل یکی از جوانان شهر میبد به دلیل اینکه قاتل این جوان یکی از تبعه افغانستانی از جانب یکی از مسئولین امنیتی استانداری

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



اوضاع نابسامان اقتصادی قلمداد کند.

جمهوری اسلامی و رسانه های وابسته به آن تلاش می کنند که با تبلیغات شوم و نژاد پرستانه و ایجاد اختلاف و تفرقه میان کارگران و زحمتکشان ایرانی و افغانی این واقعیت را بپوشانند که درد ورنج و مشقات و بیکاری بی پایان مردم راناشی از حضور کارگران و پناهندگان افغانی به افکار عمومی بفرشود. کیست که نداند که

کارگران و پناهندگان افغانی سالهای طولانی است که زیر فشار قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی تحت بیشترین خشونت و تبعیض و ستم قرار گرفته اند و در محیط کار به وحشیانه ترین شیوه توسط کارفرمایان و سرمایه داران استثمار می شوند. تمام حکومتیهای دیکتاتوری که از جانب مردم مورد تعرض قرار می گیرند و در سر اشیب سقوط قرار می گیرند به این سیاستهای ضد انسانی روی می آورند.

مردم آگاه، کارگران و زحمتکشان نه تنها کوچکترین نفعی در سیاستهای فاشیستی جمهوری اسلامی علیه کارگران و پناهندگان افغانستانی ندارند، بلکه این سیاستها علیه مردم و کاشتن تخم نفاق در میان آنان و تنها جمهوری اسلامی برای ادامه بقای ننگین خود از آن نفع می برد. کارگران و پناهندگان افغانی به دلیل فقر و فلاکت و ناامنی از جهنم طالبان فرار می کنند و لایق بیشترین پشتیبانی و حمایت از جانب مردم آزادیخواه و متنفراز جمهوری اسلامی و طالبان هستند. کارگران و پناهندگان افغانی نه از خوشی که از جنگ و بیکاری و فلاکت ناچار به ترک محل زندگی خود شده اند و با آمدن وحوش طالبان رنج و مشقات آنان بیشتر شده است. کارگران و زحمتکشان ایرانی و افغانی برای پایان دادن به ظلم و ستم و استثمار و تحقیر چه در ایران و چه در افغانستان متحد یکدیگرند و علیه سیاستهای دولت فاشیست اسلامی متحدانه باید به میدان بیایند. رفتار فاشیستی علیه کارگران و پناهندگان افغانی محکوم است آنان را دریابیم.

سر دبیر

رفتار فاشیستی علیه کارگران و پناهندگان افغانستانی محکوم است

آنان را دریابیم!

یزد معرفی شده است. در این حادثه دلخراش صدها خانه مهاجرین در یزد به آتش کشیده شد. جمهوری اسلامی با منع زندگی پناهندگان افغانی در سیزده استان و دستگیری در محیط کار و اخراج آنان از این استانها به فضای نفرت علیه پناهندگان افغانی دامن می زند.

تردیدی نیست که حملات و وحشیانه به کارگران و پناهندگان افغانی و دامن زدن به نفرت پراکنی علیه آنان اصولانه از جانب مردم آگاه و توده کارگر و زحمتکش که هیچ نفعی در دامن زدن به فضای خشونت علیه هم طبقه ایها و هموعان خود ندارند، این یک سیاست و برنامه سازمان یافته علیه پناهندگان افغانستانی است که رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی آن را تدارک دیده و با تبلیغات نژاد پرستانه مردم را علیه آنان تحریک می کنند.



جمهوری اسلامی که در بحرانهای عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار گرفته و با آغاز خیزش انقلابی مردم علیه رژیم اسلامی، این بحرانها گسترش یافته، با تشدید سیاستهای فاشیستی و نژادپرستانه علیه کارگران و پناهندگان افغانی در تلاش برای منحرف کردن اذهان مردم از واقعیات و مشقات مردم و به حربه ای علیه پناهندگان محروم و بی دفاع افغانی و دامن زدن به تفرقه و نفاق میان توده های مردم است. جمهوری اسلامی با دامن زدن به این سیاستهای فاشیستی در تلاش است بار فقر و فلاکت و بیکاری و زندگی دشوار معیشتی که میلیونها انسان کارگر و زحمتکش را گرفتار کرده و خود عامل اصلی همه این بحرانهاست بر سر پناهندگان افغانی بشکند و آنان را مقصر این

مرگ بر طالبان چه در کابل، چه تهران

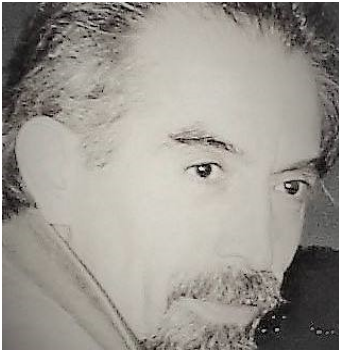


مرگ بر جمهوری اسلامی!

در باره نژادپرستی ایرانی

از میبد تا غزه

سیاوش دانشور



صورت می‌دهند. در این میان ناسیونالیست‌های نژادپرست ایرانی یا در دست رژیم بازی می‌کنند و جز تحریک شده هائی بی اختیار نیستند، و یا یک هم‌جهتی استراتژیک با جمهوری اسلامی و نهادهای امنیتی اش در تقابل با روند برآمد انقلابی و تمایلات برابری خواهانه دارند. گاهی هر دوی اینها خودنمایی می‌کند. ضدیت عام تر ناسیونالیسم با مهاجران همه جا بدرجات مختلف

وجود دارد. در ایران هم ضدیت با افغانستانی توسط این قشر طفیلی دولتی و غیر دولتی همیشه وجود داشته است. نژادپرستی ایرانی امروز اما کارکرد و هدف دیگری دارد و صرفاً ارجاع به سابقه آن ساده انگارانه است. یک هدف مهم دامن زدن به این نفرت نژادپرستانه و ضد افغانستانی، تقویت تعصب ملی و مقابله با انقلابیگری جهانشمول کارگران و زنان و مردان نسل جدید انقلابی است.

این ضدیت با افغانستانی و خواست و شعار "اخراج افغانی" و "عدم استخدام کارگر افغانی" را باید در کنار شعار "نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران" گذاشت. هر دوی آنها یک منشأ دارند. در ضدیت با افغانستانی ها و سازماندهی مجازات جمعی آنها، دولت اسلامی محور و یکه تاز است و ناسیونالیسم نژادپرست ایرانی در خدمت و همراه آنست. اما در مورد فلسطین و جنگ اسرائیل در غزه، ناسیونالیسم ایرانی بدلیل خصوصیت سنتی ضد عرب و همینطور همراهی اش با دولت اسرائیل در کشتار مردم عادی در غزه را با "حمایت جمهوری اسلامی از نیروهای تروریستی" توضیح می‌دهد. در این میان خلط مبحثی وجود دارد و آن اینست که رژیم اسلامی را "طرفدار مسئله فلسطین و مردم فلسطین" میدانند و کل مردم فلسطین را به حماس و بعد به جمهوری اسلامی تسری می‌دهد تا موضع خود را توجیه کند. اینجا هم موضع رژیم دورنمای نژادپرستان ایرانی را ترسیم و توجیه میکند.

یک رگه بی تفاوتی میان بخشهایی از مردم ایران در قبال مسائل منطقه و جهان وجود دارد که نیروهای بورژوازی ایران از حکومت تا اپوزیسیون، بدرجات مختلف روی آن سرمایه گذاری می‌کنند و هر کدام دوزی از ناسیونالیسم و هم‌جهتی را در اتخاذ مواضع شان ملحوظ می‌کنند. برجسته کردن "ایرانیکری" و "برتری ایرانی به عرب"، بازگشت به عهد عتیق و تاریخ تراشی و نستاژری مزمن عظمت طلبی، تحریک قومی و ملی در دفاع از "تمامیت ارضی" و "اصالت خاک"، در اشکال حادثه آریایی گری و بروز تمایلات رسما فاشیستی و تحبیت فاشیستهای مانند نتانیاهو و ترامپ و امثالهم، وعده سرکوب و کشتن مخالفین و ممنوعیت ها، برای این کمپ دورنمای پاکسازی های قومی و جنایت های بزرگتر را ترسیم میکنند.

مردم ایران نمیتوانند به آزادی و برابری فکر کنند اما آرمان و اصول شان را در قفس ناسیونالیسم ملی و قومی زندانی کنند. چگونه میتوان انسان بود اما به همنوع خود بی تفاوت بود؟ چگونه میتوان از حق و حرمت و امنیت و تقابل با سرکوب حرف زد اما در مقابل نسل کشی کودکان و مردم عادی بی تفاوت بود؟ در ایران محدودیتهای معینی وجود دارد، مردم مخالف حکومت و نیروهای وابسته به آنند و حق دارند مخالف باشند و درست است که مخالفند. اما قبول تبیین رژیم و تبیین ناسیونالیست های متفرقه از دمکرات چپ تا نژادپرست با سیاست تقابل با جنبش اسلامی تناقض دارد. جمهوری اسلامی فلسطینی را معادل حماس میدانند. همانطور که نتانیاهو و فاشیست ها اینطور فکر میکنند. همانطور که ناسیونالیست های ایرانی طرفدار نتانیاهو اینطور فکر میکنند. همانطور که ناسیونالیست های عرب سنیز با درجه ای اغماض همین جهت را دارند. همانطور که ناسیونالیسم چپ و نیروهای

صفحه ۴

"نژاد" بار علمی و قابل تعریف ندارد، تحرک بیوقفه انسانها در کره خاکی، تشریک مساعی در بقا و زندگی، بی اعتبار شدن معیارهای سنتی و دورانی برای "تعریف نژاد"، جانی ریشه دار و مادی برای تعریف "نژاد" باقی نگذاشته است. با این حال "نژادپرستی" وجود دارد، برتری جوئی قومی و ملی و مذهبی وجود دارد، نیروهای راست افراطی و رسماً نژادپرست وجود دارند و در کشورهای بطور موسمی قدرت شان افزوده میشود. بموازات محصولات جانبی این نژادپرستی در جامعه و زندگی رومزه ساکنین کره خاکی تجلی می‌یابند. گسترش جنگ، نسل کشی، پاکسازی قومی، اعمال تبعیض برحسب؛ "ملیت"، "مذهب"، "جنسیت، محل تولد، سن، مکان اقتصادی و اجتماعی را شاهد هستیم.

نژادپرستی مثل مذهب و مردسالاری در تاریخ مکتوب بشر قدیمی است، اما نژادپرستی دوره سرمایه داری یک محصول جنبش ناسیونالیستی و ایدئولوژی ناسیونالیسم است. نژادپرستی گرایش در درون بستر فکری و سیاسی ناسیونالیسم است. هر ناسیونالیستی نژادپرست نیست اما هر نژادپرستی یک ناسیونالیست افراطی است. برای مثال فاشیسم بدون ناسیونالیسم قابل توضیح نیست. کافی است مقداری تعصب ملی و ناسیونالیسم تان را غلیظ کنید تا سر از اردوگاه فاشیسم و "ریشه های نژادی" و موازین "خلوص نژادی" و نفرت قومی و ملی و مذهبی سردریابوید. نکته اما اینست چرا تبلیغات نژادپرستانه و عمل فاشیستی ضروری میشوند؟ چرا در زمانه ای که جامعه در نبرد برای نفی ارتجاع و استیفای آزادی است، تبلیغات و اعمال نژادپرستانه و فاشیستی جلو می‌آیند؟ اینجا چه نسبتی با روند انقلابی و جامعه خواهان تغییر دارند؟

"افغانستانی - عرب"، از میبد تا غزه

واقعیه میبد بسیار مهم است، نه از آنرو که بار اول بود بلکه بدلیل شرایطی که در آن این فاجعه رخ داد. میگویند یک جوان ایرانی در نزاعی توسط یک شهروند افغانستانی به قتل میرسد. خود این خبر توسط رسانه ها قبل از اثبات صحت آن انتشار یافته است و قطعاً نادقیق و جهت دار است. ماحصل اما اینست که گروهی از مردم شهر به محله مهاجران افغانستانی در میبد حمله می‌کنند. به حضور مهاجران در ایران اعتراض و خواهان اخراج آنها میشوند. در خیابان و کوچه و نماز جمعه با بدترین لحن فاشیستی با مهاجرین برخورد می‌کنند، در مواردی فرد را صرفاً بدلیل افغانستانی بودن زیر کتک گرفته اند، در میبد تعدادی از منازل شان را به آتش کشیدند. نهایتاً با دستور "شورای تامین استان یزد"، پلیس و نیروهای امنیتی مهاجران را در گتوی ایزوله موسوم به "شهرک مهمان" زندانی و عبور و مرور آنها را ممنوع می‌کنند. دستور ممنوعیت ها مثل برق و باد صادی میشوند، اخراج شهروندان افغانستانی سرعت میگیرد، قرار و مصوبه برای عدم استخدام کارگر افغانستانی روی بنرها خودنمایی می‌کند. فرماندار میبد نیز از "جابجایی مهمان شهر" میبد و "دستگیری و اخراج و طرد ۲۴ هزار اتباع غیر مجاز" از کشور در فاصله مرداد ماه تاکنون میگوید.

این واقعه چه در رفتار شنیع و جنایتکارانه در قبال بخشی از شهروندان و چه در متن وضعیت سیاسی حاضر بسیار هشدار دهنده است. جمهوری اسلامی محرک و سازمانده این تحرک است و کلان ترین اقدامات را هم شورای تامین و اطلاعات و نیروهای انتظامی یزد

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

جنگ همسایه با همسایه بدل شود. ناسیونالیسم بعد از پایان جنگ سرد که اساساً قوم پرستی و فاشیسم است، نمونه های دهشتناک زیادی بدست داده است.

ناسیونالیسم نژادپرست ایرانی جریانی خطرناک و سناریوی سیاهی است. از دریچه واقعه میبد و فوران نژادپرستی و حمله وحشیانه به شهروندان افغانستانی که تحت انواع تبعیض و فشارند، همینطور هورا کشیدن ناسیونالیسم ایرانی و عمدتاً سلطنت طلبان نژادپرست و آریایی با قتل عام مردم غیر نظامی و بی دفاع فلسطین توسط ارتش اسرائیل، میتوان به منظره های دهشتناک پاکسازی های قومی آینده نگاه کرد. این جریان فاشیستی باید ایزوله شود.

این کار طبقه کارگر و جنبشی است که منفعتی در اشاعه نفرت ملی و قومی و مذهبی ندارند. جنبشی که برای آزادی و برابری و رفاه همگان مبارزه میکند، جنبشی که اصول و آرمان و سیاست های خرد و کلان اش را نمیتواند بر عمارت پوسیده و خونین ناسیونالیسم و هویت های کاذب بنا کند.

آنچه امروز در جریان است پیش پرده صحنه های بزرگ فرداست. نیاز امروز جنبش آزادیخواهی و انقلابی کوبیدن بر همبستگی انسانی، همزیستی مسالمت آمیز و پایدار با مردم منطقه و جهان، تقویت انترناسیونالیسم کارگری و همبستگی کارگران کشورهای منطقه و جهان و دفاع از حقوق جهانشمول انسانی است. این پرچمها سنتا در دست جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و کمونیسم کارگری بوده است.

ناسیونالیسم و نژادپرستی دشمن این سیاستهاست. ناسیونالیسم چپ بدلیل نقش زائده انواع نیروهای ارتجاعی و فاشیست، نیز نسبتی با سیاستهای آزادیخواهانه و سوسیالیستی ندارد. بویژه روی دوش طبقه کارگر ایران و پیشروان این طبقه و زنان و مردان نسل جدید فهیم است که با گسترش همبستگی انسانی و طبقاتی و فاصله گرفتن از سیاست دولتهای ارتجاعی، در تقابل با تحریکات ناسیونالیستی و نژادپرستانه جاری سدی ببندد.

۱۵ دسامبر ۲۰۲۳

در باره نژادپرستی ایرانی از میبد تا غزه

سیاوش دانشور

محور مقاومتی و جوهی از این تبیین را دارند. در میان طیف چپ ناسیونالیسم ضد امپریالیستی این متد و تبیین زمخت تر است. بعضاً مانند خانم جودیت باتلر فمینیست، حزب الله و حماس و "محور مقاومت" مشهور رژیم اسلامی را "بخشی از چپ جهانی" و "نیروهای پیشرو" میداند. برای بیشتر این طیف منطق جمهوری اسلامی حاکم است؛ "یهودی مساوی با صهیونیست" است و هر کسی علیه صهیونیسم نباشد طرفدار آنست. همانطور که برای نتانیاهو "هر مسلمان و فلسطینی مساوی با تروریست" است. وجه اشتراک منطق ناسیونالیستی و مذهبی از هر دو سو غیر قابل انکار است.

منشأ این منطق مشترک رگه "برتری جوئی" و "مجازات جمعی" در ناسیونالیسم است. این اشتراک فکری در بستر ناسیونالیسم تصادفی نیست، از روی درک نادقیق معرفتی نیست. برعکس، حاصل اشتراک منافع و اشتراک نقطه عزیمت و اشتراک آرمانی طیف های مختلف یک بستر واحد است. ماحصل این دیدگاه ها در جامعه بی تفاوتی در قبال مرگ و کشتار همسایه است، تعصب ملی و قومی است، نفرت مذهبی و ملی است، نژادپرستی عربان و تائید جنایت است. در دوره های بحران این ناسیونالیسم و تمایلات خفته را کمی باد بزنید به جنگ داخلی میرسید. ناسیونالیسم یک ایدئولوژی مهم طبقه بورژوازی است که در تحمیل سلطه طبقاتی و بسته بندی منافع سیاسی و اقتصادی و امتیازات ویژه طبقه بورژوا تحت عنوان "منافع ملی" و خرافاتی از این دست نقش مهمی ایفا میکند. در قاموس ناسیونالیسم بی تفاوتی به همنوع میتواند بسادگی به نفرت از همنوع بدل شود. لاقیدی نسبت به حقیقت بسادگی میتواند به انکار آگاهانه حقیقت، به دروغگوئی گویزی، به پرووکاسیون سیاسی و مذهبی، به ترور شخصیت و تروریزه کردن محیط سیاسی، به


وقتی جایزه نوبل به عکس خود بدل می شود! در حاشیه مرگ کیسینجر و اهدای جایزه نوبل

آذر ماجدی

قهرمان زنان تبدیل می کنند، ولی چشمانم را بر بخاک و خون در غلطیدن هزاران زن فلسطینی می بندم.

توضیح بیشتر لازم نیست. جایزه صلح نوبل یک سیاه بازی غرب برای تسهیل و پیشبرد پروژه های رژیم چنجی و حفظ ظاهر ایدئولوژیک بعنوان قهرمان آزادی و حقوق دموکراتیک، بشردوستی و تمدن در جهان است. دست شان دیگر کاملاً رو شده است. این مضحکه هیچ ربطی به انسان دوستی، حقوق انسانی و دموکراتیک، آزادی و برابری، احترام به حقوق برابر همه انسان ها ندارد. این یک نمایش است، یک بازی است برای تحمیل.

۱۴ دسامبر ۲۰۲۳



اسلام و اسلام زدایی
منصور حکمت
ژانویه ۱۹۹۹

فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکبش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!



نظم سیاه تروریستی.

وقتی جایزه نوبل به عکس خود بدل می شود! در حاشیه مرگ کیسینجر و اهدای جایزه نوبل

آذر ماجدی

تاکنون دو زن از ایران این جایزه نصیب شان شده است. شیرین عبادی بیست سال پیش برای پاکشویی چهره اصلاح طلبان حکومتی، جنبشی که به دو خرداد معروف شده بود، جایزه گرفت. یادتان هست این خانم اعلام کرد که "اسلام با حقوق زنان در تناقض نیست"، گفت حاضر است دست خاتمی را ببوسد و جایزه را تقدیم ایشان کرد؟

اما در مراسم اخیر اعلام کرده که این یک رژیم آپارتاید جنسی است و ظاهراً ایشان همیشه بر این نظر بوده ولی دیگران باور نداشتند! یک سال بود داشتند نظر سنجی می کردند که به کدام زن ایرانی جایزه دهند. اول از پوزیسوین دست راستی رژیم سابق شروع کردند. سریع دریافتند که جنبش انقلابی در ایران رادیکال تر، چپ تر، از ادیخواه تر و هشیار تر از آنست که بتوان این چهره ها را به آن قالب کرد. زنی که زندانی بوده و در ایران به رژیم اعتراض کرده است، انتخاب بسیار بهتر و شایسته تری است. در جستجو برای قهرمان نوبل، قرعه به نام نرگس محمدی افتاد.

اصلاح طلبان حکومتی سابق، جنبش ملی - اسلامی، چپ ناسیونالیست و بخشی از چپ که در بدر بدنیاال بازی گرفته شدن از جانب مهره های قدرت است، این انتخاب را در بوق و کرنا کردند. شادی و پایکوبی کردند. برخی از میهمانان در این جشن رقت انگیزند. تشنگان قدرت و شهرت و پول که از تصدق سر درد و رنج و مشقت مردم به نان و آبی رسیده اند.

این مراسم در این شرایط جهانی توهینی است به بشریت، به وجدان انسانی. نماینده کمیته نوبل دم از حقوق بشر، آزادی و احترام به حقوق مدنی و انسانی می زند و یک کلام ناچیز هم درباره نسل کشی در غزه نمی گوید. گویی در یک گره دیگر زندگی می کند. انگار اینها همه در هالیوود زندگی می کنند. سپس سخنرانی خانم محمدی خوانده شد. او مکرراً از دموکراسی و حقوق بشر سخن راند. اما دریغ از یک کلمه در اعلام همبستگی با بیش از دو میلیون انسان که هستی و نیستی شان در آتش بمباران دارد می سوزد؛ بیش از بیست هزار انسانی که در خاک غلطیدند و ده هزار کودکی که پر پر شدند.

جالب اینجاست که ایشان در این متن به "خاورمیانه ای" بودن خود اشاره می کند. وجه تسمیه این کار چیست؟ انتظار می رود که در این شرایط سیاه و خونین، در زمان دریافت جایزه صلح برای فعالیت های انساندوستانه، وقتی برنده جایزه به ریشه خاورمیانه ای خود اشاره می کند، راجع به جنگ و ویرانی در غزه، سخنی بگوید. خیر. فقط می گوید: "اکنون در میان جنگ، آتش، تروریسم و بنیادگرایی گرفتار شده است." این یک موضع دیپلماتیک، راست و مودبانه در قبال جنایت اسرائیل و غرب است. یک اشاره کلی به جنگ. تروریسم و بنیادگرایی هم که قرار است دامن حماس را بگیرد. واقعا که ایشان سیاستمدار کارکننده ای است. البته ممکن است مشاورت گرفته باشد..

خانم محمدی از شکنجه و سرکوب و خفقان رژیم اسلامی می گوید و خواهان تغییر می شود. این سخنان، جملگی، درون زندان، تحت اسارت و شکنجه یکی از جنایتکارترین رژیم های تاریخ مدون شده است. باین ترتیب ایشان اعلام می کند که: جرئت و جسارت دارم، از این رژیم و شکنجه هایش باک ندارم و این رژیم سیاه و جنایتکار را علناً در یک مراسم بین المللی از زبان دخترم افشاء می کنم! (واقعا که جسارت می خواهد، از زندان جمهوری اسلامی!) ایشان همچنان می گوید که "من یک زن خاورمیانه ایم"، اما شرف، وجدان انسانی و جسارتش را ندارم که زمانی که دارند به من تحت نام حقوق بشر و مبارز آزادی و برابری جایزه می دهند، حتی دو کلام ناقابل در محکومیت نسل کشی اسرائیل در غزه بگویم. از حقوق زنان دفاع می کنم و دارند به

طی دو هفته اخیر، همزمانی دو رویداد چشم گشا بود. مرگ هنری کیسینجر و اهدای جایزه نوبل به نرگس محمدی. بویژه در این شرایط سیاه تاریخی که اسرائیل، آمریکا و ناتو در مقابل چشمان حیرت زده و خشمگین جهان و بی اعتنا به خشم و اعتراض میلیون ها انسان، یک نسل کشی سازمان یافته و هدفمند را به پیش می برند؛ این دو رویداد و حواشی آن، چهره واقعی و ریاکاری این قدرت ها را برای بسیاری عیان کرد. پوچی ادعای دفاع از حقوق بشر شان، بویژه در سالگرد بیانییه دفاع از حقوق بشر، یعنی درست دو ماه پس از آغاز نسل کشی در غزه، برملا شد.

هنری کیسینجر یکی از جنایتکاران بزرگ تاریخ در سن صد سالگی درگذشت. یاد آوری از او از طرف هیات حاکمه و رسانه های بستر اصلی با افتخار و تحسین و تعریف همراه بود. اما، دقیقاً در این شرایط خطیر سیاسی جهانی، مرگ کیسینجر فرصتی برای افشاگری گسترده از جنایات آمریکا و ناتو فراهم آورد. این کنتراست بیانگر دو دنیای متخاصم است.

کیسینجر مسبب مرگ میلیون ها نفر، نابودی زندگی میلیون ها انسان دیگر و برقراری یک نظم سیاه بر بخش وسیعی از دنیا در چندین دهه بوده است: ویتنام، کامبوج، تیمور شرقی، کودتای شیلی چند نمونه برجسته در پرونده سیاه و خونین این مرد است. جایزه صلح نوبل برای قدرانی از این جنایات در سال ۱۹۷۳ به کیسینجر اهدا شده است.

این مرگ و یادآوری ها همزمان شد با مراسم اهدای جایزه نوبل به زن زندانی ایرانی نرگس محمدی در احترام به جنبش "زن، زندگی، آزادی". این معما را چگونه باید توضیح داد؟ این چه نهاد با پرستیژ جهانی است که ایده اش، درکش، روایتش از صلح، جنگ و بمباران و کشتار و نسل کشی است؟ این چه نهاد وارونه ای است؟ مرگ کیسینجر بار دگر بیادمان آورد که چه جنایتکاران سرشناسی جایزه نوبل را نصیب خود کرده اند.

دوکلرک، رئیس جمهور آپارتاید آفریقای جنوبی که یک سیستم خفقان، سرکوب و تبعیض گسترده را سالها بر آفریقای جنوبی تحمیل کرد و زمانیکه خروش انقلابی مردم داشت به زیرشان می کشید، تسلیم شد و جایزه نوبل را از آن خود کرد. اسحاق رابین یک شخصیت دیگر این تاریخ ننگین است. نخست وزیر اسرائیل که مسئول کشتار و سرکوب فلسطینیان است. جیمی کارتر، رئیس جمهور آمریکا و بالاخره باراک اوباما. بمحض به ریاست جمهوری رسیدن جایزه را تقدیمش کردند؛ هنوز هیچکاره بود؛ جایزه را تقدیمش کردند تا از او شخصیتی بسازند از ادیخواه و انساندوست، بمنظور تغییر چهره آمریکا پس از جرج بوش و ویرانی افغانستان و عراق، اسکاندال "گوانتانامو" و افشای جنایات آمریکا و ناتو توسط ویکیلیکس. اوباما با همین جایزه بیش از دو میلیون انسان را در خاورمیانه به قتل رساند؛ مسئول اصلی ویرانی لیبی و سوریه است.

حال بی مسمایی این جایزه نوبل روشن شد؟ یا شاید باید گفت، اتفاقاً خیلی با مسماست. هدفش چهره سازی و رهبر تراشی است. جایزه به شهروندان کشور های "تحت سلطه" با هدف رهبر سازی های آتی در نقشه های رژیم چنجی آمریکا و غرب است و برای چهره های در قدرت غربی، برای تحسین و مقبول جلوه دادن آنها. جایزه صلح نوبل یک ابزار سیاسی است نه برای گسترش صلح و آزادی و حقوق انسانی در جهان، بلکه ابزاری است در دست آمریکا و غرب، برای حاکمیت



سمتتان می‌آید یاد سرگرمی و صحنه‌گردانی‌هایتان می‌افتید. شمایی که کوچکترین نسبتی با ما ندارید. شمایی که شکنجه و تعرض و عذاب زندان ما را به رقص و آواز برای جهانیان ترجمه می‌کنید.

شمایی که نمی‌فهمید اگر اینجا هنوز رقصی باقی‌ست رقصه گلوله و باتوم بر روی تن این مردم بی‌گناه است.

شمایی که فقر را نمی‌فهمید. شمایی که قتل و تحقیر و تعرض و تجاوز و کودکان شیمیایی‌شده و تن‌های تکه‌پاره ما در زیر گلوله‌ها در لابه‌لای صدای قهقهه‌ها و ضرب‌گرفتن سرانگشتانتان بر روی میز گم می‌شود. شما رهبر مایید؟ شما رهبر جوانانی هستید که لباس‌هایشان را دریدند و سینه خود را در مقابل گلوله سپر کردند؟ شما و قهقهه‌هایتان، ضجه‌های هزاران مادر داغدار و پدر کمرشکسته را نمایندگی می‌کنید؟ شمایی که تصمیم گرفتید این سیاهی را به شکل یک نمایش جذاب و دیدنی روی صحنه ببرید تا حوصله‌ی میزبان سر نرود؟ شمایی که در نشست و برخاست‌هایتان با آنانی که ما را به این روزهای سیاه نشانده‌اند، هیچ حدومرزی ندارید و یک روز ما را آکتورهای خیابانی می‌بینید و روز دیگر جمعیت بی‌سری که باید رهبری‌شان کنید؛ نماینده‌ی ما شده‌اید؟ نه... شما، خیلی حقیرتر از آنید که ما را نمایندگی کنید.

کنار بایستید. ایرانی که ما در آن زندگی می‌کنیم سال‌هاست در حال احتضار است و شما اصرار دارید این تقریبا جنازه را با اطوار و اصلاح زنده کنید. و ما، مایی که به ناممان میکروفون برداشته‌اید و به کام خودتان در آن چهچه می‌زنید، به تکتک شما هشدار می‌دهیم که از سر راه ما کنار بروید. دشمن ما جمهوری اسلامی است و برای نابودیش هر که را مانعمان شود نابود می‌کنیم؛ با هیچ احدی هم شوخی و تعارف نداریم. ما از شما، اصلاحات و نمایندگان‌شان با خون عزیزانمان گذر کرده‌ایم. انگشت در زخم‌های ما نچرخانید. ما با شما هیچ نسبتی نداریم.

۲۲ آذر ۱۴۰۲ - خانواده‌ی نوید افکاری

یادداشتی از سعید افکاری برادر نوید افکاری

که در مدیای اجتماعی منعکس شده است

خانواده نوید افکاری از زمره خانواده‌هایی است که توسط جمهوری اسلامی بیشترین جنایت نسبت به آنان مرتکب شده است. نوید را اعدام کردند، دوبرادر او، وحید و حبیب افکاری بعد از مدت طولانی شکنجه و آزار و سولولهای انفرادی به زندان طویل‌المدت محکوم شده‌اند. برادر دیگر نوید، سعید افکاری، همسر و خواهر نوید بارها دستگیر و زندانی و مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. پدر و مادراو نیز بطور مرتب توسط نهادهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم جنایتکار اسلامی تحت فشار و آزار روحی قرار می‌گیرند. یاد نوید افکاری و همه جانب‌اختگان راه آزادی و برابری گرامی باد. به امید آزادی وحید و حبیب افکاری و سایر زندانیان سیاسی. زنده باد خانواده افکاری.

سردبیر

تا به حال در گورستان‌ها قدم زده‌اید؟ به چهره عزاداران دقت کرده‌اید؟ در گورستان، حرفی برای گفتن لازم نیست؛ آنجا فقط غم و درد است که بین آدم‌ها رد و بدل می‌شود. در گورستان کسی قهقهه نمی‌زند. در گورستان کسی روی میز ضرب نمی‌گیرد. در گورستان کسی با خنده و شادی و بشکن آواز نمی‌خواند.

ما در عمق سیاهی گورستانی به پهنای ایران ایستاده‌ایم و میهوت شمایی شده‌ایم که ظاهرا خود را نماینده ما خوانده‌اید. حالا شما یک بار بدون آنکه به فکر منفعت خود باشید، بدون آنکه فقط به فکر عکس گرفتن با رنج ما باشید تا جایزه‌ی فلان جهنم‌دره را از آن خود کنید، به ما نگاه کنید. خودتان خجالت نمی‌کشید که زخم و عزای ما را به تمسخر می‌گیرید؟

نه! سؤال بی‌جایی‌ست. شما سال‌هاست وقتی دوربین و میکروفون به

مبارزه با مذهب

دروغ تحویل مردم می‌دهند. مردم را می‌ترسانند. مردم را در این دنیا از خشونت می‌ترسانند و در آن دنیا از عقوبت. این درست مثل مافیا است.

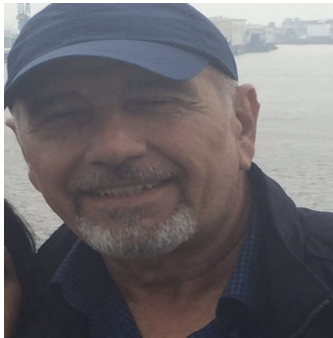
نهاد مذهبی چه مسیحی باشد چه اسلامی چه یهودیست، قبل از اینکه مجموعه‌ای از باورهای اجتماعی باشد، یک ساختمان و عمارت بزرگ اجتماعی است که روی پای خودش ایستاده، مالیات می‌گیرد، پول می‌گیرد و خرج بقا و حاکمیت خودش می‌کند.

در نتیجه صنایع دینی پدیده عظیمی در دنیا است. اگر پولی که خرج اسلام میشود را کنار هم بگذارید می‌بینید با ثروت بزرگترین کمپانی‌های بین‌المللی قابل مقایسه است. قابل مقایسه است با هزینه نظامی دهها کشور رویهمرفته. در نتیجه باید مثل یک صنعت به آن نگاه کرد که آگاهانه سعی می‌کنند محصولش را بفروشند. سعی می‌کنند بازار را به خودش اختصاص بدهد. سعی می‌کند مصرف کنندگان را به خودش معتاد بکند. جامعه‌ای که می‌خواهد خودش را آزاد کند باید با همین عنوان به مذهب روبرو شود. فکر نکند که این مجموعه باور به خر دجال و گریه بخاطر کربلاست.

این یک صنعت عظیم خرافه‌پراکنی، ارباب مردم و به تمکین و تسلیم کشیدن مردم در مقابل قدرت طبقاتی حاکم است.

و اگر شما یک جامعه آزاد می‌خواهید باید پول خرج کنید، نیرو بگذارید، نیروی انسانی اختصاص بدهید برای اینکه با این پدیده مقابله کنید. همانطور که با باندهای مواد مخدر مقابله می‌کنید. همانطور که با کمپانی‌های سودجویی مقابله می‌کنید که می‌زدند و می‌برند و جای خودشان ویرانه بجا می‌گذارند. با صنعت مذهب هم باید به همین صورت مقابله کرد.

منصور حکمت: کمونست هفتگی شماره ۳۶۸. در باره مبارزه با مذهب (صفحه ۱۰)



غزه بدون حضور حماس توهم است.

آنچه تا کنون روشن است حماس نابود نشده است، این دولت اسرائیل است جنگی را آغاز کرده که آینده آن حتی برای سران دولت اسرائیل نیز روشن نیست و هر چه جنگ ادامه پیدا کند جان گروگانها نیز بیشتر به خطر می افتد. دولت نتانیاهاو از جانب خانواده گروگانها تحت فشار

است و ادامه جنگ و تلفات نیروهای نظامی اسرائیل نارضایتی را در داخل اسرائیل افزایش خواهد داد. حماس در نتیجه جنگ اسرائیل نابود نخواهد شد، این مردم فلسطین هستند که باید حماس را از سر راه خود بردارند و سرنوشته خود را به دست گیرند، آنها در شرایطی که صلح برقرار شود و به این جنگ پایان داده شود و مردم در مقابل انتخاب دیگری قرار گیرند. حماس برای بقای خود از این جنگ و دشمنی تغذیه می شود و دولت اسرائیل، حماس را ابزار پیشبرد سیاست اشغالگرانه خود از آن بهره می برد. از بعد از ۷ اکتبر اما این جنگ، یک طرف دارد، حمله از زمین هوا به مردم غزه. دولت نژاد پرست اسرائیل کمر به نابودی مردم فلسطین بسته است. نه تنها مردم غزه، فلسطینیان ساکن کرانه باختری مورد خشونت شهرک نشینان افراطی اسرائیلی قرار می گیرند و با آغاز جنگ خشونت و اذیت و آزار فلسطینیان در این مناطق دامنه بیشتری گرفته است. بر اساس گزارشها از ابتدای ماه اکتبر یک هفته پیش از حمله حماس به اسرائیل ۳۴۳ اقدام خشونت آمیز توسط شهرک نشینان اسرائیلی علیه فلسطینیان صورت گرفته که باعث کشته شدن ۸ نفر و زخمی شدن ۸۳ نفر شده است.

دو طرف این جنگ نه دولت اشغال گر اسرائیل و نه حماس تروریست برنده این جنگ خواهند بود. ادامه این جنگ به هر شکلی در صورتیکه در محدوده غزه بماند، هر دو ناچارند با مصالحه و پادرمیانی به این جنگ پایان دهند. این جنگ، حمله حماس به اسرائیل و کشتن و به گروگان گرفتن مردم سوئیل و حمله انتقامجویانه دولت اسرائیل به بهانه حماس به نوار غزه، کشتن و آواره کردن هزاران انسان که اکثریت آنان در شروع و پایان این جنگ نقشی ندارند باید پایان یابد. بازنده این جنگ در اصل مثل همه موارد جنگها، مردم بی دفاع هستند که آواره می شوند و هست و نیستشان را از دست می دهند.

این جنگ باید پایان یابد. دولت امریکا و شرکای اروپائیش باید دست از حمایت دولت اسرائیل بردارند. دولت اسرائیل باید به اشغال نوار غزه و سرزمینهای اشغالی پایان دهد. سران نژاد پرست دولت اسرائیل هیچوقت به دلیل اشغال و چندین دهه جنایت علیه مردم فلسطین نه محاکمه و نه تحت فشار قرار نگرفته اند. بشریت آزادیخواه نباید تسلیم این شرایط شوند و باید علیه همراهی و سکوت دولتهای خود در مقابل این جنایات اعتراض کنند. حل مسئله فلسطین در گرو پایان دادن به جنگ و به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطین است. این تنها راه پایان دادن به اشغال سرزمینهای فلسطینی، جنگ و کشتار و آوارگی و مشقات مردم است.

منصور حکمت را بخوانید و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

ابعاد فاجعه انسانی در نوار غزه و

سرنوشت جنگ

سعید یگانه

کشتار مردم فلسطین توسط دولت نژاد پرست نتانیاهوایی مهابا ادامه دارد. تعداد تلفات انسانی فلسطینیان در نوار غزه ابعاد فاجعه باری به خود گرفته است. یک نسل کشی و پاک سازی نژادی در راه است. نزدیک به ۲۰ هزار کشته و هزاران زخمی و میلیونها آواره نتیجه حملات و بمباران تا کنونی مردم بی دفاع غزه توسط دولت اسرائیل است. آوارگی و گرسنگی جان میلیونها انسان را تهدید می کند و جهان شاهد این فجایع انسانی است. اکنون یک میلیتر جای امن برای حفظ جان آنها وجود ندارد، هر روز و هر ساعت محاصره مردم غزه توسط دولت اشغالگر اسرائیل تکثیر و تنگتر می شود. کوچ اجباری از شمال به جنوب، جنوب هم در امان نیست. شهر خان یونس به شهر ارواح تبدیل شده و رفح در جنوب غزه تنها راه ورود کمکههای اولیه به غزه نیز بمباران می شود. بعد از "آتش بس موقت بشر دوستانه"، جنگ دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین و کشتار مردم ادامه دارد. هشدارهای پی در پی سازمان ملل در مورد فاجعه انسانی در غزه، توصیه های دولت بایدن و شرکای اروپائیش مبنی بر رعایت قانون جنگ و حفظ جان مردم غیر نظامی در عمل کوچکترین نقشی در مانع از ادامه جنگ و جنایت دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین نداشته است.

می گویند اسرائیل حق دارد در مقابل حماس از خودش دفاع کند، اما باید قوانین جنگ را رعایت کند یعنی مردم سوئیل را نکشند، اما جهان شاهد است که این قوانین کشک است، آنچه در این جنگ رعایت نشده مردم بی دفاع است که کشته و آواره می شوند، نان و سوخت و آب مردم را به گروگان گرفته اند و بر سرشان بمب می بارند. وریاکارانه برای توجیه جنایت اسرائیل و حمایت از عملکرد جنایتکارانه آن برای مردم فلسطین اشک تمساح می ریزند، سفرای خود را برای همدلی با مردم فلسطین راهی "رفح" می کنند تا به چشمان خود ببینند چه بر سر آنان آمده است "ریاکاری این دولتها حد و حصری ندارد." دولتهای مدافع حقوق بشر "انگار مردم فلسطین بشر نیستند.

سرنوشت جنگ

نمی خواهند جنگ را تمام کنند. بهانه این است که حماس باید نابود شود. اگر جنگ تمام شود حماس دوباره خود را سازمان می دهد. امریکا قطعنامه سازمان ملل برای آتش بس و پایان جنگ را به این بهانه توجیه و توتو کرد و جلوی آن را گرفت. مجمع عمومی سازمان ملل به قطعنامه آتش بس فوری و پایان جنگ در غزه رای مثبت داد، اگرچه این قطعنامه الزام آور نیست و جنبه نمادین دارد، اما باز گوش شنوایی برای آن نیست و کشتار و آوارگی مردم ادامه دارد.

نتانیاهو می گوید حماس اسلحه را بر زمین بگذارد و گروگانها را آزاد کند جنگ پایان می یابد. ما به جنگ تا نابودی حماس ادامه می دهیم اگرچه حمایت بین المللی را نیز از دست دهیم. "جیک سالیوان مشاور امنیتی ملی کاخ سفید در نشست اخیرش با سران دولت اسرائیل مطمئن شد و دولت اسرائیل تضمین داده است که میان غیر نظامیان و شبه نظامیان حماس تفاوت قائل خواهند شد. او گفته است که جنگ جاری در غزه ممکن است ماهها طول بکشد و هدف از مرحله جدید حملات اسرائیل به غزه رهبران حماس است." حماس می گوید تصور آینده

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



بیانیه مجمع کارگران ذوب آهن اصفهان

اعتراض و مطالبه گری حق قانونی ما

کارگران است

اعمال فشار و آزار همکاران مان را پایان

دهید

در یک قرارداد دو طرفه با شما قرار دارند و نان تلاش و زحمت خود را می‌خورند، غیرقانونی و غیر اخلاقی است.

۳- تحت فشار قرار دادن کارگران، تهدید و احضار، بازداشت و تنبیه آنان تنها بخاطر اینکه حق قانونی خود را می‌خواهند و در مقابل ظلم و دزدی‌های شما اعتراض و تظلم‌خواهی می‌کنند هم مغایر قوانین جاری و هم بر اساس هر نوع دین و مسلکی شنیع و ضد انسانی است.

۴- وارد کردن نیروهای نظامی و گارد ویژه به محیط کار، آنهم ذوب‌آهن که از قطب‌های اقتصادی کشور است قطعاً غیرقانونی و اتفاقاً اخلال در نظم کارخانه است و باید جرم تلقی گردد. شرم بر شما که اعمالی را از سال گذشته تاکنون مرتکب شده‌اید که در هیچ تاریخی نمونه‌اش دیده نشده است.

سباهی حق‌خواهی‌های قانونی ما و ظلم و ستم‌های غیرقانونی و جرائم شما بسیار سر دراز دارد و بیشتر از این نمی‌شود به آنها اشاره کرد.

حال که پس از اعتراض حق‌خواهانه و قانونی ما، مدیریت و حراست در مقام دشمنان اصلی کارگران ذوب‌آهن دوباره ناجوانمردانه و خیانت‌بار دست به کار شده و با به زحمت انداختن و آزار چندین تن از همکاران ما قصد تداوم اعمال ظلم و تضییع حقوق ما کارکنان ذوب‌آهن را دارند باید نکاتی را صریحاً اعلام کنیم؛

— همکارانی را که بازداشت شده‌اند باید به فوریت و بدون هیچ قید و شرطی آزاد گردند.

— مشکل همکارانی که در روند ورود و خروجشان اخلال ایجاد شده و یا کارت‌هایشان متوقف شده است باید سریعاً برطرف گردد.

— ما قاطعانه بر خواست‌های خود از جمله تصحیح و اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، افزایش مزد و پاداش و دیگر خواسته‌های خود تاکید داریم. فکر دور زدن و نادیده گرفتن مطالبات ما را از سر بیرون کنید. به فوریت باید اقداماتی در راستای تحقق خواسته‌های ما کارگران آغاز کرده و اعلام نمایند.

در خاتمه قاطعانه اعلام می‌کنیم که قدرت و اراده‌ی ما کارگران را دوباره آزمایش نکنید!

فراموش نکنید که ۱۸۰۰۰ پرسنل در این شرکت مشغول به کار هستند و

زنده باد شوراها!

ارگانه‌های اعمال اراده مستقیم توده‌ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه‌ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

پس از حضور قدرتمند و متحدانه‌ی ما در روز شنبه ۱۱ آذر و طنبن شعار “گارد ویژه و باتوم دیگه اثر ندارد”، کوهی مدیرعامل شرکت با هزار خواری و ذلت درصدد توجیه گسیل دادن یگان ویژه در سال گذشته برآمد. اما بلافاصله در روز یکشنبه و دوشنبه با وارد کردن نیروهای گارد ویژه و چماق به دستان حراستی به داخل شرکت و تهدید و احضار و بازداشت همکاران مان و همچنین ممانعت از ورود و ضبط کارت آنها، این مدیرعامل خائن و ضدکارگر به وضوح نشان داد که “توبه گرگ مرگ است”.

چند مسئله را با قطعیت روشن خواهیم کرد:

۱- اجرای کامل و اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل که قریب به ۱۰ سال است از ما دزدی شده حق قانونی ما کارگران ذوب‌آهن است.

۲- خواست همسان‌سازی حقوق با سایر شرکت‌های فولادی، آن هم درحالی‌که شرکت ما از قدرتمندترین و سودآورترین و قطب صنعت فولادی کشور بوده و هست، خواستی به‌حق و قابل اجراست.

۳- مطالبه‌ی افزایش دستمزد و پاداش با توجه به تورم سرسام‌آور و ناکافی بودن حقوق کارگران، حق مسلم و بدیهی کارگران است.

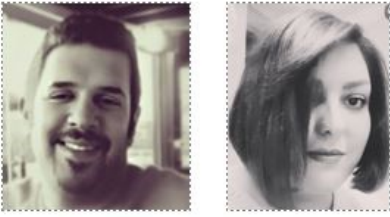
۴- همه کارگران حق دارند تا آزادانه بتوانند تشکل مستقل خود را ایجاد کنند و از طریق آن به مطالبه‌ی حقوقشان بپردازند. با توجه به عدم وجود تشکل مستقل، اعتراض مسالمت‌آمیز ما در محوطه‌ی کارخانه که خانه کارگران است و بدون کوچکترین خشونت و قانون‌گریزی اتفاق افتاده است، قانونی‌ترین حق ماست.

اما درمقابل چه اعمالی ناحق و غیرقانونی است:

۱- به‌گرو گرفتن حق زندگی کارگران و خانواده‌هایشان از طریق عدم اجرای طبقه‌بندی مشاغل طی ۱۰ سال گذشته و به طبع آن عدم پرداخت افزایش حقوق ناشی از اجرای این طرح، دزدی و غارت از کارگران، و غیرقانونی و غیرانسانی و جرم است. شرم بر شما باد

۲- عدم پاسخگویی به صدای حق‌خواهی و مطالبه‌گری کارگرانی که





ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات

اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسکری و آرش کلهر

اعتراض کارگران شرکت نفت فلات قاره در منطقه بهرگان
روز جمعه ۱۷ آذرماه ۱۴۰۲ کارگران شرکت نفت فلات قاره شاغل در منطقه بهرگان در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌های‌شان دست به تجمع زدند. اعتراض این کارگران نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌های اعلام شده است. کارگران بیانیه ای صادر کردند که فشرده خواسته‌هایشان را بیان کرده اند:

بیانیه‌ی کارگران شرکت نفت فلات قاره در منطقه‌ی بهرگان

جنبش مطالبه گری کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره بهرگان با عنایت به انعقاد قرارداد استخدامی فیمابین کارگران و شرکت ملی نفت ایران و با امعان نظر به اینکه حقوق کارگران مزبور حاصل افزایش های قانونی ناشی از مصوبات دولت و مجلس بوده ولیکن متأسفانه بعد از واپرال شدن موضوع حقوق های نجومی مدیران ستادی غیرنفتی در دهه نود، قانونگذاران به جهت فقدان درک صحیح از شرایط سخت و ویژه کار اقماری در مناطق عملیاتی نفتی، سقف حقوق را بر کارگران مظلوم و دور از خانواده مذکور نیز روا داشته اند که این موضوع موجبات بی انگیزگی شغلی، نارضایتی شدید کارگران خط مقدم تولید نفت و گاز کشور گردیده که در صورت عدم رفع ظلم آشکار موصوف، این موضوع تبعات منفی سنگینی برای تولید، ذخیره سازی و صادرات نفت و گاز کشور به عنوان منبع اصلی منبع ثروت کشور خواهد داشت. فلذا کارگران منطقه نفتی بهرگان در تاریخ هفدهم آذر ۱۴۰۲ روز جمعه و قبل از شروع ساعت کاری نسبت به حضور یکپارچه در محل اداره مرکزی منطقه مذکور اقدام نمودند که خلاصه مطالبات ایشان به شرح ذیل می باشد:

۱. حذف کامل سقف حقوق مناطق عملیاتی نفتی
۲. حذف تبعیض میان کارگران عملیاتی در سقف پرداخت و برداشتن عناوین پشتیبانی و اصلی تخصصی.
۳. استرداد مالیات مکسوره از کارگران عملیاتی نفتی.
۴. عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق های ورشکسته
۵. حذف سقف پاداش پایان خدمت و پرداخت کامل سنوات کارگران.
۶. اجرای کامل ماده ده و پرداخت معوقات.
۷. اصلاح کف حقوق کارگران اخیرالاستخدام آزمونی

اعتراض کارگران رسمی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری

روز چهارشنبه ۲۲ آذرماه ۱۴۰۲، کارگران رسمی وزارت نفت شاغل در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌های‌شان مجدداً دست به تجمع زدند. اعتراض کارگران رسمی وزارت نفت شاغل در مراکز عملیاتی نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌های زیر است: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی، عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی کارگران نفت.

عدم تمدید بیمه درمان کارگران معدن زغال سنگ رزمجای غربی

اعتبار خدمات درمان تامین اجتماعی کارگران معدن زغال سنگ رزمجای غربی در استان سمنان به علت عدم پرداخت حق بیمه از سوی کارفرما تمدید نمی‌شود.

حمایت دانش آموزان و فرهنگیان راسک از اعتصاب معلمان

دانش آموزان و معلمان شهرستان راسک با پلاکاردهای دسته نوشته اعتراض خود را به عدم تبدیل وضعیت معلمان خرید خدمتی این منطقه که از روز ۱۸ آذرماه اعتصاب کرده اند نشان دادند. معلمان خرید خدمات مناطق راسک، بنت و آشار در سیستان و بلوچستان در اعتراض به وضعیت خود از روز گذشته با اعتصاب و حاضر نشدن سر کلاس‌های درس خواستار رسیدگی به وضعیت شغلی و دریافت حقوق و معوقات خود شدند. این معلمان طی ۹ سال اخیر با وعده و وعیده‌های مسئولان در بلاتکلیفی بوده‌اند و هیچگونه اقدامی در جهت امنیت شغلی و معیشتی آنها صورت نگرفته است. اکثر این معلمان جزو کسانی هستند که در آزمون استخدامی قبول شده اند، اما در مصاحبه و گزینش به دلایل نامعلومی رد شده و مسئولین به جای آنان، نیروهای غیربومی را استخدام کرده‌اند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان صنایع فولاد

روز یکشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۲ بازنشستگان صنایع فولاد خوزستان، اصفهان، البرز غربی و مازندران در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مقابل صندوق بازنشستگی صندوق فولاد دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی

روز یکشنبه ۱۹ آذرماه ۱۴۰۲ بازنشستگان تامین اجتماعی اراک، اهواز، کرمانشاه، شوش، در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً و مطابق با یکشنبه‌های اعتراضی دست به تجمع زدند.

بازنشستگان مخابرات سراسر کشور تجمع اعتراضی برگزار کردند

روز دوشنبه ۲۰ آذرماه ۱۴۰۲ جمع‌هایی از بازنشستگان مخابرات در شهرهای اهواز، رشت، سنندج، مریوان، کرمانشاه، کرمان، شهرکرد، زاهدان، اصفهان، اردبیل، ارومیه، همدان، خرم‌آباد، اراک، تهران، بندرعباس، تبریز، زنجان، دزفول، بیجار، بروجرد و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان کشوری

روز سه‌شنبه ۲۱ آذرماه ۱۴۰۲، جمعی از فرهنگیان بازنشسته و دیگر بازنشستگان کشوری در سنندج، اراک، کرمانشاه، قزوین، اردبیل و اهواز مجدداً و مطابق با سه‌شنبه‌های اعتراضی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

بیانیه شورای هماهنگی فرهنگیان در حمایت از بازنشستگان

خبرهای مربوط به افزایش سن بازنشستگی و بلاتکلیفی قانون همسان سازی و همترازی علاوه بر نگرانی‌هایی که برای شاغلان ایجاد کرده است بازنشستگانی را که ۳۰ سال از بهترین سال‌های عمر خود را برای توسعه کشور صرف کرده‌اند و بخش مهمی از حقوق خود را به صندوق بازنشستگی واریز کرده‌اند و به این امید که در دوران کهنسالی از رفاه و معیشتی برخوردار شوند که نیازمند معیشت و هزینه‌های درمان نباشند نیز به شدت عصبانی کرده است. شوربختانه دولت‌های دوره‌های متعدد با عمل نکردن به قوانین بازنشستگی موجب فلاکت معیشتی روزافزون و رنج این قشر گردیده‌اند.

با این وصف وضعیت معیشتی، رفاه و خدمات درمانی

همکاران و دستان این کارگران جانباخته، همواره اعلام کردیم عدم تامین ایمنی کار از طرف دولت و کارفرماها عامل اصلی کشتار کارگران هستند!

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات

اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسکری و آرش کلهر

بازنشستگان در هیچ دوره ای مانند ده سال اخیر بحرانی و فاجعه بار نبوده است با وجودی که بازنشستگان همواره با کنش های مختلف از مکاتبه، دیدارها و مذاکرات و برگزاری تجمعات متعدد در انتقال این اوضاع نا به سامان به مسئولان ذی ربط کوتاهی نکرده اند و مضافاً قوانین مهم اجرا نشده را به آنها گوشزد کرده اند اما دریغ از اجرای قوانین مصوب و بهبود بخشی اوضاع معیشتی، رفاهی و درمانی بازنشستگان که نتیجه این بی توجهی و قانون گریزی فلاکت مضاعف اقتصادی برای همه ی اقشار به ویژه بازنشستگان بوده است.

مهم ترین مطالبات بازنشستگان عبارتند از:

- ۱- ماده ۶۴ ق م خ ک با موضوعیت همترازی (همسان سازی) بازنشستگان با شاغلان متناظر
- ۲- ماده ۸۵ ق م خ ک در مورد بیمه کارآمد و تکمیلی که به دلیل کم کاری دولت ها ۱۶ سال است که نوشتن آیین نامه ای در این مورد توسط هیات دولت ها به تعویق افتاده و بازنشستگان با توجه به بیماری های مختلف و گرانی سرسام آور داروها و خدمات درمانی بخش قابل توجهی از این حقوق ناچیز را صرف این امور می کنند
- ۳- ماده ۱۲۵ ق م خ ک که در این ماده کاملاً واضح و شفاف تکلیف افزایش سنواتی حقوق را با توجه به نرخ تورم و واقعی تورم که بانک مرکزی اعلام می کند بر شمرده است اما دولت های مختلف از اجرای این ماده قانونی سر باز زده و می زنند .
- ۴- ماده ۳۰ بر نامه ششم توسعه که تا پایان سال جاری نیز تمدید شده است.

بازنشستگان انتظار دارند تا قبل از اتمام سال جاری بخش قابل ملاحظه ای از همسان سازی حداقل ۹۰ درصدی با شاغلان متناظر توسط دولت و مجلس اجرایی شده و باقیمانده نیز ظرف حد اکثر دو سال ۴۰۳ و ۴۰۴ عملی شود. اجرای این خواسته ها که تماماً در چهارچوب قوانین مصوب همین حاکمیت است ماه ها و سال هاست که در تجمعات فرهنگی مطرح می شود اما گوش شنوایی برای شنیدن این فریادها نیست. با این اوصاف، شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن حمایت از اعتراضات قانونی بازنشستگان محترم از همه ی فرهنگیان شاغل و بازنشسته درخواست می کند که جهت تحقق خواسته های فوق در تجمعات اعتراضی سه شنبه ها حضور فعال داشته باشند.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

مرگ و مصدومیت چهار کارگر حین کار در فردیس و ساری

پنجشنبه ۱۶ آذر در پی انفجاری در یک کارگاه غیراستاندارد ساخت مواد محترقه در ویلایی در شهرستان فردیس، نیروهای آتش نشانی به محل اعزام شدند که با وقوع یک انفجار دیگر در محل حادثه سه آتش نشان مصدوم شدند. در ساری نیز یک کارگر زن حین کار از ارتفاع سقوط کرد و جان باخت. این زن ۵۰ ساله در پاساژی در خیابان قارن ساری مشغول تمیز کردن شیشه بود که بر اثر سقوط از ارتفاع دچار آسیب های متعدد ضربه سر شد و پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد. سازمان پزشکی قانونی ایران مرگ ۱۹۰۰ کارگر بر اثر حوادث کاری را در سال ۱۴۰۱ ثبت کرده است. اما وزارت کار تنها ۷۱۱ مورد مرگ ناشی از کار را تأیید می کند. اختلاف بیش از ۱۱۰۰ نفری آمارهای این دو نهاد حکومتی نشان می دهد که بخش زیادی از حوادث کاری مرگبار در کارگاه های خارج از شمول قانون کار، رخ می دهد که کارگران آن نه قرارداد کاری دارند و نه بیمه هستند.

مرگ ۵ نفر از کارگران تلمبه خانه مخازن نفت در کوهدشت

شنبه ۱۸ آذرماه ۱۴۰۲، پنج نفر از کارگران تکنسیسین که برای لایروبی انبار ایستگاه پمپاژ مرکز نفت برداسی گندابه در جنوب غربی کوهدشت حین عملیات لایروبی دچار گازگرفتگی شده و جانشان را از دست دادند. ما در برنامه جامعه و کارگران ضمن تسلیت و همدردی با خانواده،

انتقال کارگر زندانی داود رضوی به بند ۴ زندان اوین

داود رضوی، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، با توجه به شرایط بند شش (۳۵۰ سابق) و پس از بارها پیگیری بعد از ظهر دوشنبه ۱۳ آذر به بند چهار منتقل شد. داود رضوی به ۵ سال حبس تعزیری و دو سال محرومیت از فعالیت در فضای مجازی و فعالیت در گروه های سیاسی و احزاب محکوم گردیده است. داود رضوی در ۵ مهرماه ۱۴۰۱ دستگیر شد و بعد از تحمل ۸۲ روز بازداشت در بند ۲۰۹ و ۲۴۰ ابتدا در تاریخ ۲۷ آذر ۱۴۰۱ به زندان تهران بزرگ و سپس در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۴۰۲ به بند ۶ زندان اوین منتقل گردید. وی در این مدت بر اساس حقوق به اصطلاح قانونی که فقط روی کاغذ اعتبار دارند اما برای کارگران و مردم محروم اجرایی نمی شوند، می بایست تا زمان صدور حکم با وثیقه بیرون زندان میبود که عملاً اجرایی نشد. با انتقال داود رضوی به بند ۴ زندان اوین، ایشان با دو عضو دیگر سندیکا، رضا شهابی و حسن سعیدی، که در بند ۴ زندان اوین محبوس هستند، همبند گردیده است. رضا شهابی و حسن سعیدی نیز به اتهام های واهی هر یک به مجموعاً ۶ سال حبس تعزیری محکوم شده اند.

بازداشت دو نفر از فعالین بازنشسته استان فارس

روز شنبه ۱۸ آذرماه ۱۴۰۲ آقای جان محمد احمدی و روز دوشنبه ۲۰ آذرماه ۱۴۰۲ آقای روحاله گره گشا، از بازنشستگان فرهنگی و از فعالین صنفی شهرستان ممسنی، که پیشتر حکم جلب سیار برایشان صادر شده بود در منزلشان توسط ماموران پلیس امنیت دستگیر و به دادستانی این شهرستان ارجاع داده شدند و پس از تفهیم اتهام با قرار بازداشت یک ماه به زندان شیراسپاری شهر نورآباد ممسنی تحویل داده شدند. دلیل بازداشت این فعالین صنفی معلمان فارس شرکت در تجمع بازنشستگان این شهر در روز سه شنبه ۱۴ آذر ماه بوده است.

بازداشت علی احمدی از فعالین صنفی ممسنی

در پی تجمع بازنشستگان ممسنی در روز سه شنبه ۱۴۰۲/۰۹/۱۴، روز چهارشنبه ماموران پلیس امنیت شهرستان به منزل آقای احمدی یورش برده و با صدور قرار بازداشت موقت از سوی دادستانی این فعال صنفی معلمان را به زندان شیراسپاری شهر نورآباد تحویل داده اند.

صدور قرار وثیقه برای چهار فعال صنفی معلمان ممسنی فارس

بازپرسی دادگاه انقلاب ممسنی قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی علی احمدی، جان محمد احمدی، شکرالله احمدی، روح الله گره گشا صادر کرد. این فعالین صنفی در تجمع سه شنبه ۱۴۰۲/۰۹/۱۴ با قرار بازداشت یک ماهه دستگیر و تحت پیگرد قرار گرفته بودند که با قرار وثیقه موقتاً آزاد شده اند.

احضار سپامک صادقی چهارزی فعال صنفی فرهنگیان اهواز

روز دوشنبه ۲۷ آذرماه ۱۴۰۲ سپامک صادقی چهارزی، فعال صنفی بازنشسته توسط دادگاه کذابی استان خوزستان محاکمه خواهد شد. این فعال صنفی باید راس ساعت ۱۱/۴۵ صبح در تاریخ مقرر جهت ارائه دفاعیات خود از بابت اتهامات نشر اکاذیب، فعالیت تبلیغی علیه نظام، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی و خارجی، عضویت در گروه های غیرقانونی و اغوا و تحریک مردم جهت جنگ و کشتار در دادگاه انقلاب خوزستان حاضر شود.

آریانا اکبری توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد

روز چهارشنبه پانزدهم آذر، آریانا اکبری شهروند ساکن تهران، پس از شرکت در مراسم چهلم آرمینا گراوند توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

حمایت ۶۱ وکیل دادگستری از فرزانه زیلابی وکیل کارگران ایران

۶۱ وکیل دادگستری، در نامه ای از فرزانه زیلابی حمایت کرده و خواستار ممانعت از تشکیل پرونده قضایی علیه این وکیل شده اند.***

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.uk

uk

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegan@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!